

بررسی پایداری منابع طبیعی تجدید شونده (مراعات) و رویکردهای مدیریت پایدار آنها

کبری کریمی^{۱*} اسماعیل کرمی دهکردی^۲، سیده شیرین گلپاز^۳

^۱دانشجوی دکترای توسعه کشاورزی، دانشگاه زنجان: Email: kkarimi@znu.ac.ir

^۲دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان: Email: e.karami@znu.ac.ir

^۳دانشجوی دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه زنجان: Email: sh.golbaz@znu.ac.ir

چکیده

منابع طبیعی زیربنای اصلی زندگی انسان و دیگر موجودات زنده می‌باشند که برای برآورده کردن نیازهای آنها خدمات و کارکردهای زیادی ارائه می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد به دلیل وابستگی بالای قشر بزرگی از جوامع به ویژه جامعه روستایی، بهره‌برداری نامناسب و بیش از ظرفیت از آنها، و اقدامات و سیاست‌های ناکارآمد مختلف دولت‌ها، این منابع به طور گسترده‌ای در شرایط نامناسبی قرار گرفته‌اند. به دلیل رشد سریع تخریب این منابع، مدیریت، حفاظت و احیای آنها تبدیل به یکی از مسائل مهم امروزه جهان تبدیل شده است. هدف این نوشتار تحلیل رویکردهای مرتبط با مدیریت منابع طبیعی است. در چند دهه اخیر تلاش‌هایی برای شناسایی عوامل و راهکارهایی برای حفظ منابع طبیعی در جهت دستیابی به توسعه پایدار صورت گرفته است، ولی با توجه به وسعت این منابع و حجم تخریب آنها، این تلاش‌ها نتوانسته‌اند آنگونه که شایسته است موفق باشند و روند تخریب همچنان ادامه دارد. رویکردهای سنتی و بالا به پایین براساس یک روند مشخص و بسته بین سیاست‌گذاران، مقامات اداری و نمایندگانی محدود از گروه‌های ذی‌نفع خاص بکار گرفته شده‌اند. راهبری، حکمرانی یا رویکردهای جدید مدیریت منابع طبیعی به منظور تحقق و پیشبرد اهداف توسعه پایدار منابع طبیعی به عنوان جایگزین و یا مکمل رویکردهای حفاظت‌گرای سنتی مطرح گردند.

کلمات کلیدی: منابع طبیعی، راهبری، حکمرانی، مدیریت، مرتع، مشارکت

^۱ نویسنده مسئول: کبری کریمی، دانشجوی دکترای توسعه کشاورزی، دانشگاه زنجان، Kkarimi2004@gmail.com



Assessing the Sustainability of Renewable Natural Resources (Rangeland) and Their Sustainable Management Approaches Kobra Karimi¹ Esmail Karamidehkordi² Shirin Golbaz³

¹ PHD Student of Agricultural Development, University of Zanjan, Iran,

² Associate Professor of Agricultural Extension, Communication and Rural Development Department, University of Zanjan, Iran

³ PHD Student of Agricultural Extension and Education, University of Zanjan, Iran

Abstract

Natural resources are the foundation for human life and other living organisms. These resources provide extensive functions and services and are used for addressing communities' needs. Studies show that these resources are used inappropriately and extensively degrading due to the high dependency of large proportion of people in societies, especially rural communities on these resources, over exploitation of these resources, and ineffective policies and actions of governments. The natural resources management and conservation have become one of the most important issues of the world at this age due to the rapid growth of natural resources destruction. This paper aims to analyse approaches for natural resources management. Significant attempts have been applied in the last few decades to identify influencing factors and approaches for natural resources conservation and governance towards achieving sustainable development, but considering the diversity of these resources and the high extent of their destruction, these efforts have not been successful and not being able to stop degradations, so the destruction of natural resources is still continuing. Traditional top-down approaches have been applied based on a bounded and closed process among policy makers, administrative authorities, and limited representatives of local stakeholders and groups. New governance and approaches of natural resources management have been proposed to achieve and promote the goals of sustainable development of natural resources, and as replacement or alternative to traditional conservationism approaches.

Key words: Natural resources, governance, management, rangeland, participation



مقدمه

منابع طبیعی سرمایه‌ای ارزشمند برای نسل امروز و آینده می باشد و به عنوان ارکان مهم حیات بخش بشر جایگاه انکار ناپذیری در تامین رفاه، آسایش و سعادت‌مندی جوامع بشری دارند (دولت‌شاهی و همکاران، ۱۳۹۱). از نظر اقتصادی، اجتماعی، انسانی و طبیعی جایگاه و ارزش ویژه ای دارند به طوریکه در زندگی جوامع حمایت‌هایی را در قالب خدمات، به صورت کالاهای عمومی و مصرفی ارائه می‌دهند. فرایندهای اکولوژیکی بر پایه‌ی حفظ بهره‌وری خاک، بازیافت مواد مغذی، تلطیف آب و هوا، چرخه آب و هوایی، و از این قبیل بنا نهاده شده‌اند. خاک به عنوان پایه و اساس کشاورزی محسوب می‌شود و این نیز به نوبه خود پایه و اساس زندگی همه مردم جهان می‌باشد. از لحاظ ژنتیکی، تنوعات یافت شده در شکل‌های زندگی طبیعی گیاهی و جانوری نقش اساسی در پزشکی سنتی و صنعت دارویی مدرن داشته‌اند که می‌توانند تحت پوشش برنامه‌های اصلاحی قرار گیرند (کریمی و کریمی دهکردی، ۱۳۹۴، کریمی و کریمی دهکردی، ۱۳۹۵؛ Costya, 2011; UNDG – ECHA Guidance Note, 2013). علاوه بر این به طور کلی منابع طبیعی در ۵ بعد در ایجاد امنیت می‌کنند و دارای پیامدهای مهمی هستند که توسط دبیر سازمان ملل در سال ۲۰۰۹ تعریف شده‌اند که عبارتند از: ایجاد و حمایت از، امنیت و ایمنی عمومی، خدمات اولیه، بازگرداندن عملکرد دولت مرکزی، فرایندهای سیاسی، تجدید حیات اقتصادی، اشتغال و معیشت‌ها (UNDG – ECHA Guidance Note, 2013) که به منظور اطمینان از بهره‌وری بهتر در استفاده از منابع طبیعی، حفاظت و بهبود ویژگی‌های مهم آن، از جمله حیات وحش و مناظر طبیعی و به حداقل رساندن آلودگی، ضایعات و تخریب و کاهش مسایلی که زندگی نسل‌های آینده را به مخاطره می‌اندازد است (WorldBank, 2006) باید به صورت پایدار استفاده گردند.

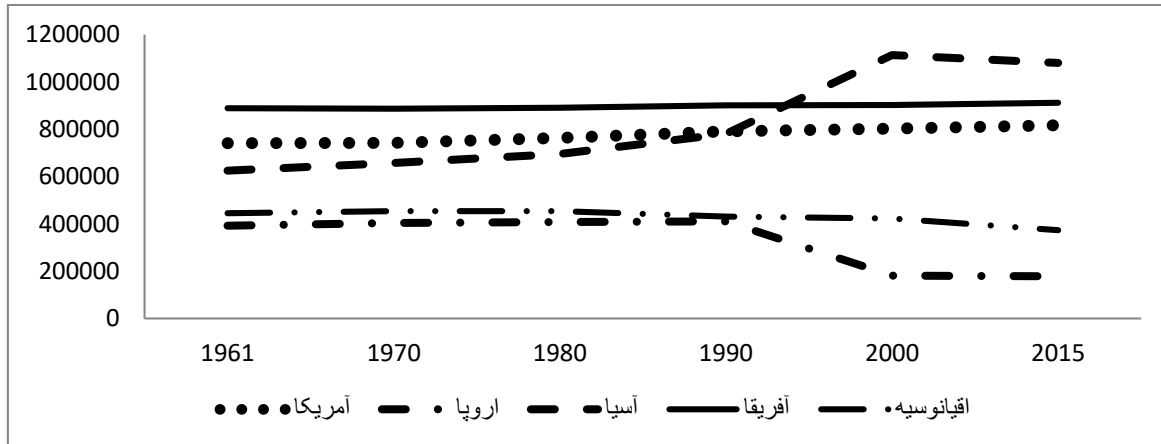
در پژوهش حاضر ابتدا وضعیت منابع طبیعی تجدید شونده با تمرکز بر مراتع به عنوان یکی از مهمترین اکوسیستم‌های طبیعی که بخش وسیعی از سطح زمین را به خود اختصاص داده است، بررسی گردیده است و در ادامه چالش‌هایی که در حال حاضر با آنها رو به رو هستند و راهکارهای مدیریتی که امروزه جهت پایداری آنها ارائه و به کار گرفته می‌شود، مورد بحث قرار می‌گیرند.

وضعیت منابع طبیعی تجدید شونده در جهان

منابع طبیعی تجدید شونده نقش قابل توجهی در تامین نیازهای حیاتی جوامع دارند و مراتع نیز یکی از بزرگترین اکوسیستم‌های جهان می‌باشند که از ارزشمندترین سرمایه‌های طبیعی محسوب می‌شوند و نقش زیادی در حفاظت از خاک، تولید و تامین علوفه، محصولات فرعی، دارویی و صنعتی، تالیف آب و هوا، ذخیره آب‌های زیر زمین و بستر حیات و کشاورزی و توسعه پایدار به شمار می‌روند (جوادی، اسدپور و ارزانی، ۱۳۸۹؛ حمیدیان و طهماسبیان، ۱۳۹۳؛ کریمی و کریمی دهکردی، ۱۳۹۴؛ ابراهیمی، خسروی و ریگی، ۱۳۹۴؛ فائو، ۲۰۱۳) همچنین دیدگاه بر آن است که معیشت ۸۰۰ میلیون تا یک میلیارد خانوار در جهان به طور مستقیم به آن‌ها وابسته است (کریمی، ۱۳۹۲). ولی متأسفانه امروزه رشد جمعیت، محدودیت منابع و فشار مضاعف به این منبع سبب تخریب کمی و کیفی آنها گردیده است (اجتهادی و همکاران، ۱۳۸۸؛ ابراهیمی، خسروی و ریگی، ۱۳۹۴، کریمی و کریمی دهکردی، ۱۳۹۵).

با این وجود بررسی‌ها نشان می‌دهد که این منابع از لحاظ ویژگی‌های مختلف، مانند وسعت، پوشش گیاهی، تعداد بهره بردار، در دوره‌های مختلف و در مناطق مختلف دارای شرایط یکسانی نبوده‌اند. همانطور که در نمودار مشاهده می‌گردد، به طور

کلی وسعت مراتع جهان، بین دهه‌های ۲۰۰۰-۱۹۶۰ رو به افزایش بوده است، ولی از سال ۲۰۰۰ تاکنون یک روند نسبتاً ثابت یا در حد کمی نزولی در وسعت این منبع دیده می‌شود.



روند تغییرات مراتع در قاره‌های ۵ گانه دنیا بین سال‌های ۱۹۶۱-۲۰۱۵
برگرفته از پایگاه داده‌های فائو (۲۰۱۵)

همانگونه که مشاهده می‌گردد در بیشتر مناطق جهان وسعت به طور چشمگیری کاهش یافته است در صورت عدم تلاش برای حفاظت مراتع و جلوگیری از تخریب خاک، همچنین تلاش برای احیای خاک تخریب شده، تخریب خاک (بویژه با توجه به افزایش جمعیت و تداوم فقر) شتاب بیشتری پیدا خواهد کرد. بنابراین، اقدامات مداومی برای ترویج کشاورزی پایدار و مدیریت پایدار منابع طبیعی نیاز است. از سوی دیگر برخی از منابع عنوان کرده‌اند که شدت کاهش کیفیت و کمیت تولید علوفه مراتع نسبت به تغییر وسعت آن به خصوص در دو دهه اخیر، به ویژه در آسیا و آفریقا با شتاب بیشتری در حال افزایش است (Panunzi, 2008).

وضعیت و سطح مراتع ایران

بهره برداری از مراتع در ایران به دلیل وجود دامداری روستایی و مبتنی بر کوچ نشینی عشایری از پیشینه و سابقه‌ای طولانی برخوردار است. سطح مراتع ایران ۸۴/۸ هکتار برآورد شده است، که بیش از ۵۰ درصد سطح اراضی کشور را تشکیل می‌دهند. جمعیت دامی کشور، ۱۲۴ میلیون واحد دامی برآورد شده است که از این تعداد ۸۳ میلیون واحد آن کاملاً به مراتع وابسته هستند و این در حالی است که مراتع کشور تنها قادرند که خوراک مورد نیاز ۳۷ میلیون واحد دامی را در مدت هفت ماه تامین کنند، بنابراین مطابق آمار در حال حاضر ۲/۲۵ برابر بیش از ظرفیت مجاز از مراتع بهره برداری می‌شود و در حال حاضر ۹۱۶ هزار خانوار بهره بردار روستایی و عشایری از مراتع بهره برداری می‌نمایند، تعداد خانوارهای بسیار وابسته به مراتع نیز ۵/۷ برابر بیشتر از تعداد خانواری است که مراتع می‌توانند برای دام آنها به صورت مجاز تولید علوفه کنند (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۸۳؛ کرمی دهکردی، ۱۳۸۷؛ کرمی و کرمی دهکردی، ۱۳۹۵).

بیشتر مراتع ایران به دلیل واقع شدن در مناطق خشک و نیمه‌خشک و چرای مفرط از نوع مرتع درجه ۳ می‌باشند، بنابراین از کیفیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشند. اطلاعات بدست آمده که به طور خلاصه در جدول ۳ آورده شده است، همچنین می‌توان



دریافت که سطح اراضی مرتعی با توجه به تعریف فائو از مرتع از سال ۲۰۰۰ تاکنون به شدت کاهش یافته است و به کمتر از ۶۳ درصد دهه های قبل رسیده است.

جدول ۱- تغییر وسعت مراتع ایران بین سال های ۲۰۱۱-۱۹۶۱ (وسعت بر حسب ۱۰۰۰ هکتار)

درصد سال	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۱
۲۰۱۴								
مراتع	۲۹۵۲۴	۲۹۵۲۴	۲۹۵۲۴	۴۶۶۰۰	۴۵۰۰۰	۴۴۰۰۰	۴۴۰۰۰	۴۴۰۰۰

منبع برگرفته از پایگاه داده های فائو (۲۰۱۵)

پژوهشگران مختلف دلایل زیادی را در ایجاد شرایط کنونی موثر دانسته اند که در یک جمع بندی کلی میتوان به مواردی همچون نبود قانون مدون و رسمی (ولایتی و کدیور، ۱۳۸۵) چرای بی رویه و مفرط، بهره برداری بیش از اندازه، چرای زود رس، افزایش تعداد دام، تغییر کاربری اراضی، نداشتن آگاهی بهره برداران در رابطه با اصول صحیح بهره برداری و پیامدهای تخریب مراتع و سایر منابع طبیعی و عدم ارایه تسهیلات از سوی دولت (حاج میر رحیمی و نبئی، ۲۰۰۷؛ خورشیدی و انصاری، ۱۳۸۲؛ طهماسبیان و همکاران، ۱۳۹۱؛ مافی و مقدم مجد، ۱۳۹۰). البته باید توجه نمود که این عوامل در مناطق مختلف با توجه به وضعیت و شرایط مراتع و همچنین خانوارهای بهره بردار می تواند متفاوت باشد. بدیهی است که از بین رفتن پوشش گیاهی مراتع و کاهش کیفیت، مراتع ممکن است زنجیره ای از مشکلات اجتماعی- اقتصادی و سیاسی به خصوص برای بهره برداران مراتع به وجود آورند و رفاه آنان را با مشکل مواجه سازند. همچنین این شرایط می تواند نه تنها شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه را تحت تاثیر قرار دهد بلکه در درجه اول می تواند در نحوه زندگی خانوارهای بهره بردار تاثیر گذار باشد.

راه کارهای مقابله با تخریب منابع طبیعی و مدیریت پایدار آنها

بنابراین یکی از چالش های اساسی در جهان این است که آیا این روند رو به رشد بهره برداری از منابع می تواند نیازهای ۹ تا ۱۰ میلیارد جمعیت کره زمین را در سال ۲۰۵۰ به صورتی عادلانه و پایدار تامین کند (Hill & Mustafa, 2011; Karamidehkordi, 2012). برای دستیابی به این مهم، مدیریت منابع طبیعی و تدوین راهبردهای حفظ، احیا و بهره برداری پایدار از آن ها امری حیاتی و انکار ناپذیر می باشد و به نظر می رسد این امر جز با مشارکت بهره برداران در مراحل مختلف برنامه ها از برنامه ریزی تا اجرا و حفاظت از آن ها امکان پذیر نباشد (نوری پور و نوری، ۱۳۹۱؛ میردامادی و همکاران، ۱۳۹۹). از این رو باید به دنبال برنامه ها و رویکردهایی بود که پایداری بیشتر و بهره برداری بهینه تر را به دنبال داشته باشد. بررسی ها نشان می دهد امروزه تاکید، تمرکز و توجه به عامل انسانی و مشارکت در برنامه های مربوط به توسعه اهمیت بیشتری یافته است (رشید پور و حسینی، ۱۳۸۶). به طوریکه در کنفرانس ریو (۱۹۹۲) همه کشورهای شرکت کننده در رابطه با توجه بیشتر به مشارکت مردم در تمامی سطوح اعم از محلی، ملی و منطقه ای به توافق رسیدند که در آن بیشتر به توانمندسازی جوامع برای سازماندهی و تشکیل سازمان های محلی برای حفاظت از منابع طبیعی توسط خودشان و برای خودشان تاکید شده است (کریمی دهکردی، ۱۳۹۲).

در راهبردهای مدیریت پایدار منابع طبیعی مجموعه از ذی نفعان و عوامل مختلف دخیل هستند که شامل دولت ها، مردم جوامع بهره بردار محلی و بازار می باشند که ارتباط متقابل آنها ضروری می باشد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۱). از مهمترین اجزاء در مدیریت منابع طبیعی بهره برداران از این منابع می باشند و برای دستیابی به توسعه پایدار مشارکت بین نهادهای دولتی و غیردولتی دخیل و مردم محلی بهره بردار از منابع طبیعی ضروری است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ Pretty and Ward, 2001). این

امر علاوه بر حفظ منابع طبیعی، موجب بهبود شرایط معیشت خانوارها نیز خواهد شد (کریمی و کرمی دهکردی، ۱۳۹۴؛ رشیدپور و حسینی، ۱۳۸۶، طراوتی، ۱۳۸۱). از این رو لزوم بکارگیری استراتژی های پایداری و رهیافتهایی که بتواند چالش های منابع طبیعی اعم از: آب های زیر زمینی، تالاب ها، خاک، هوا، جنگل ها و مراتع، سواحل و از این قبیل را مدیریت کرده و درک مردم را نسبت به آن ها جامع تر و کلی نگرایانه تر نماید ضرورت می یابد (Karamidehkordi, 2010). در ادامه به رویکردهای جدیدتر مدیریت پایدار منابع طبیعی اشاره می گردد

راه کارهای مدیریت منابع طبیعی

این واضح است که منابع طبیعی دارای اهمیت زیادی هستند. آنچه روشن نیست این است که چرا منابع طبیعی با چالش های مربوط به بهره وری استفاده و پایداری رو به رو هستند. آیا این ها به دلیل فقدان سیاست های مدیریت و اجرای نامناسب این سیاست ها است. استرنر (۲۰۰۳) ادعا می کند که دلیل اصلی آن می تواند سیاست های اتخاذ شده در زمینه منابع طبیعی باشد. مدیریت منابع طبیعی به علت دخیل بودن عوامل متعدد مانند چرخه های اکولوژیکی، چرخه آب، اقلیم، گیاهان و جانوران، ذی نفعان مختلف، سیاستها، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، انسانی و ... و همچنین تعامل همه عوامل دخیل با یکدیگر تبدیل به مسئله ای پیچیده و چند بعدی شده است. در راستای مدیریت چالش های منابع طبیعی در چند دهه اخیر راهبردها و استراتژی های مختلفی توصیه شده اند که در ادامه به آنها اشاره می گردد.

رویکرد کلاسیک: کنشگران خارجی شناسایی مشکلات درک شده می پردازند و اقدامات فنی را تدوین و فرموله می کنند ولی این اقدامات نیاز به همکاری جامعه دارد بنابراین ترکیبی از راهبردهای تشویق، ترغیب و تهدیدات نامحسوس برای اجرای طرح ایجاد انگیزه می کنند. همچنین این رویکرد دانش محلی را ناقص و غیر علمی می داند و ترجیح می دهد که آن را با دانش متخصصین جایگزین کند.

نئو لیبرال: این رویکرد با بانک جهانی در ارتباط است و بر مشوق ها و قوانین و مقررات و اقتصادهای خارجی و حقوق مالکیت متکی است.

الگوهای نئو - عوام گرا: مدل انتقال فناوری بالا به پایین، تک محور و به رهبری دولت را رد می کند. یک سبک مشارکتی را ترویج می کند، از یک مدل تقاضا محور و مدیریت محلی یا مدیریت منابع و خدمات استفاده می کند و جنبه های قابل استفاده ای از دانش محلی را انتخاب می کند.

مدیریت یکپارچه منابع طبیعی: همانطور که از نام آن پیداست این رویکرد اقدامات مختلف را با هم ادغام می کند (به عنوان مثال: جلوگیری از آلودگی، حفاظت از طبیعت و ایجاد امکانات زیست محیطی). اهداف سیاسی زیست محیطی که مورد توافق همه ذی نفعان است را ایجاد می کند (مقامات محلی، مردم محلی، توسعه دهندگان). نیازمند اطلاعات کیفی، نظارت، انعطاف پذیری، آگاهی های بیشتر زیست محیطی و رهبری خوب است. دانش محلی را به عنوان بخش جدایی ناپذیر در برنامه مدیریت می بیند.

رویکرد مدیریت مشارکتی (مدیریت مبتنی بر جامعه): در این رویکرد جامعه در فرایندهای تصمیم گیری و تدوین سیاست مشارکت بیشتری دارد. ترویج مدیریت شفاف و پاسخگو مورد توجه قرار می گیرد و یک جامعه پاسخگو را در برنامه های اجرا شده مدیریت ایجاد می کند. دانش محلی از طریق مشارکت جامعه منتقل می شود (Al-Busaidi, 2012، کریمی، ۱۳۹۲)

راهبری منابع طبیعی

راهبری یک مفهوم کامل تر از حکومت است و بر روابط بین جامعه و دولت تأکید می‌کند. این مفهوم به معنای سیاست‌گذاری و مدیریت منابع به نحوی است که از نظر اجتماعی پذیرفته شده باشد و هدف آن توسعه پایدار، استفاده صحیح از منابع و همچنین اجرای این سیاست‌ها با همکاری مؤثر ذینفعان و کنشگران درگیر در این فرآیندها است. راهبری محلی منابع در جریان شکل‌گیری و راهبری نهادهای مشارکتی در سطوح کوچک و محلی و هموارکردن مسیر آن‌ها به سوی تعالی و تجمیع در سطوح بالاتر راهبری منابع، بسیار مهم تلقی می‌شود (سالاری و قربانی، ۱۳۹۴).

پس از درک شکست‌ها و نواقص درک شده از شکل‌های سنتی و سلسله مراتبی، واژه راهبری یا حاکمیت جدید به عنوان یک توصیف‌گر این شکل از راهبری، هدایت یا حکمرانی ظهور پیدا کرده است که حالت شورایی و مشورتی تر دارد، و اصطلاحاً بسیار پیچیده است. این رویکرد با ویژگی‌هایی مانند: سطوح چندگانه اجرای سیاست؛ چند کنشگری بودن اجرای سیاست؛ درک چندگانه از مشکلات و اهداف اجرای سیاست؛ راهبردها و ابزارهای چندگانه برای اجرای سیاست؛ و مبنای پیچیده‌ی چند منبعی و چند سازمانی بودن اجرای سیاست، مشخص می‌گردد. که پیچیدگی این ویژگی‌ها نه تنها به کارکرد و نتایج نظام‌های اجتماعی و طبیعی مرتبط می‌گردد، بلکه به ظرفیت آن‌ها برای ارتباط آن‌ها با مدیریت اداری انطباقی آن‌ها نیز مربوط می‌گردد (Beer et al., 2006). راهبری می‌تواند بر اساس فن آوری‌ها، ادراکات و مهمتر از همه سیاست‌های بین ذی‌نفعان مربوطه کوچک یا بسیار گسترده باشد (Abson, 2015). این نوع از مدیریت می‌تواند موجب کاهش درگیری‌ها، افزایش مشارکت‌ها و همکاری‌ها، افزایش مشارکت مدنی و دموکراسی و همچنین باعث درک عمیق و ظرفیت‌سازی برای حل مشکلات پیچیده و بغرنج می‌شود (Camacho, 2008).

در رویکردهای گذشته و سنتی شاهد این بوده ایم که نهادهای مرتبط با دولت مرکزی تا حد زیادی کنترل و ارائه خدمات عمومی را بر عهده داشته‌اند به طوری که خودشان تصمیم‌های مهم را اتخاذ می‌کردند و به طور مستقیم سیاست‌ها و برنامه‌های اتخاذ شده را اجرا می‌کردند و هزینه‌ها را صرف می‌کردند. اما اخیراً ماهیت و مرزهای مداخله دولت باز تعریف شده است و به این نتیجه رسیده‌اند در حال حاضر که مسئولیت و قدرت زیاد در واقع بازو و کمک در آن حوزه هستند و در بیرون از آن حوزه به عنوان دولت به حساب می‌آیند (Robinson & Show, 2014).

به طور کلی هدف راهبری منابع طبیعی بهبود ظرفیت ذی‌نفعان برای اطمینان از پایداری منابع طبیعی و علاوه بر آن معیشت‌های معیشت‌های مردم وابسته به این منابع می‌باشد. برای رسیدن به این هدف فعالان در سازمانها و نهادها، یعنی کسانی که مسئول طراحی و اجرای تصمیماتی که بر منابع طبیعی تأثیر می‌گذارند و کاربران منابع طبیعی نیاز به درک مفاهیم اساسی راهبری دارند و چارچوب ساده‌ای که در کار روزانه آنها به کار می‌رود (Moore et al., 2011).

مدیریت مبتنی بر مشارکت جوامع محلی

تأکید بر مدیریت مشارکتی منابع طبیعی در توسعه بین‌المللی برای غلبه بر سیاست‌های زیست‌محیطی سنتی، هماهنگ شدن با تغییرات در جهت تمرکززدایی و توانمندسازی جامعه آغاز شده است (Dyer et al., 2014). با این وجود چه مشارکتی در رابطه با طراحی و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها معنادار است و واقعا جوامع در فرایندهای آن مطرح هستند و در نظر گرفته می‌شوند.

تأکید بر رهیافت‌های مشارکتی برای مدیریت و توسعه منابع طبیعی به طور گسترده‌ای در حال افزایش است در کنار مباحثی

چون تمرکززدایی و رد رویکردهای سنتی بالا به پایین، متمرکز شده رهیافت های انحصاری در مدیریت منابع طبیعی (Kumasi et al., 2010).

مدیریت مبتنی بر مشارکت جوامع محلی، یکی از محبوب ترین روش ها برای مدیریت مشارکتی منابع طبیعی است که در حال ظهور است در دستیابی به اهداف چند گانه، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی. مدیریت این رویکرد می تواند شامل طرح هایی همچون حفاظت کل نگر و پروژه های توسعه، مدیریت مشارکتی جنگلها و پرداخت های مبتنی بر جامعه برای خدمات اکوسیستم باشد که شامل فعالیت های جنگل زراعی و کشاورزی حفاظتی می باشد. در حالی که این طرح ها از نظر اهداف، طراحی، مبدا و تمرکز منابع متفاوت هستند، اما همه آن ها به طور گسترده ای دستیابی به مدیریت پایدار منابع طبیعی را دنبال می کنند در حالی که به طور همزمان به فرصت های معیشتی خانوار ها نیز نقش دارند. در برخی موارد مدیریت پایدار منابع طبیعی مبتنی بر جوامع محلی توسط خود آن جوامع آغاز می شود و به دنبال روش هایی هستند که منابع ضعیف عمومی را مدیریت کنند (کریمی و کرمی دهکردی، ۱۳۹۶). با این وجود، پروژه های مبتنی بر چنین رویکردی ممکن است از خارج از جوامع محلی آغاز شوند به عنوان مثال توسط سازمان های غیر دولتی، بخش خصوصی و یا دولت آغاز شوند (Measham and Lumbasi, 2013) شواهد نشان می دهند که تا چه اندازه اهداف به دست آمده در مدیریت مبتنی بر مشارکت جوامع محلی می توانند متفاوت باشند (Dougill et al., 2012; Blaikie, 2006; Phiri et al., 2012).

اینگونه رویکردها تمایل دارند از طریق فرایندها یا عوامل مبتنی بر برونراند ها یا هر دو ارزیابی شوند. این عوامل به عنوان مثال توانمند سازی، مالکیت و حقوق هستند که اغلب به سختی تعریف و اندازه گیری می شوند (Dyer et al., 2014). کاهش در استقلال دولت، همراه با افزایش در قدرت هر دو گروه جامعه مدنی و بازار، منجر به یک افزایش روز افزونی در فرهنگ سیاسی بر اساس مشارکت و شبکه ها بین دولت، بازار و فعالان جامعه مدنی شده است (Measham and Lumbasi, 2013) در ارتباط با تغییر مقیاس قدرت دولت یک تغییری بین محققان و فعالان از یک دغدغه ذهنی همراه نهادهای رسمی دولت به سمت یک علاقه در حالت های متنوع راهبری وجود دارد که شامل انواع همکاری، مدیریت با هم و ترتیبات غیر رسمی شامل سازمان های مختلف، علایق بخش خصوصی گروه های اجتماعی و افراد است. در محیط های سیاسی مانند مدیریت منابع طبیعی، پیچیدگی مسائل و پیوستگی تصمیمات دیکته شده که قدرت را به اشتراک می گذارند (Lockwood et al., 2014) در مدیریت مبتنی بر مشارکت جوامع محلی رعایت ارزش ها و اصول زیر الزامی است:

- ۱- تشخیص تفاوت ارزشها، علایق و نگرانی ها در حوزه مدیریت منابع طبیعی در درون و بیرون از جوامع محلی؛
- ۲- تاکید بر شفافیت و برابری در مدیریت منابع طبیعی؛
- ۳- انعطاف در واگذاری نقش ها و مسولیت ها به جامعه محلی برای دستیابی به تشریک مساعی در مدیریت منابع طبیعی
- ۴- ایجاد ارتباط بین ذی نفعان و مسئولان مختلف در زمینه مدیریت منابع طبیعی؛ و

یادگیری از طریق عمل جهت تجدید نظر در حین اجرای برنامه در بهبود مدیریت حفاظت از منابع طبیعی (Borrini et al., 2000; رشیدپور و لقمانی، ۱۳۸۶)

نتیجه گیری و پیشنهادها

تخریب منابع طبیعی و کاهش کمی و کیفی آنها در نتیجه عدم وجود اقدامات یکپارچه مشارکتی مدیریت آنها می باشد و دستیابی به پایداری منابع طبیعی در صورتی که همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به هم در نظر گرفته شوند به صورت همه جانبه امکان پذیر خواهد بود. لذا اولین مرحله برای رسیدن به توسعه پایدار، توجه جوامع محلی و جلب مشارکت آنها در کلیه سطوح می باشد. بدون شک بدون حضور و مشارکت جوامع محلی، کلیه اقدامات انجام شده در زمینه حفظ و احیای منابع طبیعی بی اثر و بی نتیجه خواهد بود چرا که حیات و معیشت ذینفعان اصلی که همان مردم می باشند وابسته به منابع طبیعی و محیط زیست می باشد حفظ منابع طبیعی به عنوان یک سرمایه ملی زمینه ساز توسعه پایدار است چراکه منابع طبیعی متعلق به مردم است و آنها باید در حفظ و نگهداری آن مشارکت داشته باشند. جلب مشارکت های مردمی، استفاده از دانش ظرفیت نیروهای بومی محلی را بسیار مهم و مؤثر در حفاظت از منابع طبیعی می باشد بنابراین بهترین حفاظت کننده عرصه های منابع طبیعی خود مردم هستند که نقش اساسی کلیدی در حفظ منابع طبیعی دارند. البته در این راستا مشارکت و همکاری همه ذی نفعان از جمله سیاست گذاران، مسئولین و برنامه ریزان همراه با مردم ضروری و انکار ناپذیر است.

باتوجه مطالعات مشخص گردید راهبری منابع طبیعی نشان دهنده یک نوآوری مهم در فرایندهای مدیریت و قوانین منابع طبیعی است که که به طور قابل توجهی فراتر از قوانین و دستورات کنترلی و مشوق های مبتنی بر بازار توسط همکاری بین گروه های متنوعی از ذی نفعان تاثیر گرفته از آنها می باشد. در این راستا مشارکت فعالانه مردم، فعالیت های مدیریت منابع طبیعی، به جای شکست، می توانند به یک موفقیت ثابت و پایدار تبدیل گردند. بنابراین نهاد های توسعه ای، اعم از دولتی و غیر دولتی، به منظور حل مشکلات مدیریت منابع طبیعی، به طور فزاینده ای در پی استفاده از روش های مشارکتی می باشند. این رویکرد نیاز به بستر سازی و ظرفیت سازی دارد. ورود و مشارکت مردم در زمینه تصمیمات و سیاست های مربوط به منابع طبیعی از قبیل برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی اهمیت حیاتی دارد. بنابراین نظام مدیریتی پیشنهاد شده، نظام مدیریتی مبتنی بر مشارکت جوامع محلی می باشد که در آن ها همه ذی نفعان مثل سازمان های دولتی، غیر دولتی و مردم محلی با یکدیگر مشارکت داشته و در این زمینه نقش موثری دارند. که در نهایت موجب ظرفیت سازی در سطوح مختلف پروژه های منابع طبیعی به منظور تشویق مشارکت مردمی و تشویق فعالیت های نظارت و ارزیابی مشارکتی در برنامه ریزی های حفظ، احیاء و توسعه منابع طبیعی انجام گیرد.

در اقداماتی که برای بهبود وضعیت منابع طبیعی و مراتع صورت می گیرد باید نگاه کل گرا داشت. زیرا نگاه صرف به حفاظت مراتع موجب می شود تا بهره برداران این پروژه ها را نوعی پروژه های بیرونی قلمداد کنند و آن را متعلق به خود و در جهت بهبود وضعیت خودشان نپندارند. بنابراین در مفهوم سازی مرتعداری، نه تنها باید به دانش و فناوری های حفاظت کننده منابع توجه داشت، بلکه باید به فناوری های تنوع بخش معیشت خانوارها نیز تاکید نمود. استفاده از سیاستهای مختلف کمک کننده به ظرفیت های خانوارها و تسریع کننده این اقدامات موجب تحقق اهداف خواهد شد. پیشنهاد می گردد در برنامه های مدیریت مراتع با تنوع سازی معیشت خانوارهای بهره بردار همراه با ارائه تسهیلات تلفیق گردد تا امکان پایداری منابع طبیعی و همچنین آسیب پذیری احتمالی معیشت خانوارکاهش یابد. این یافته لزوم تلاش برنامه ریزان را برای تغییر یا تقویت استراتژی های خود در این زمینه متذکر می شود تا نه تنها دانش مردم بالاتر رود بلکه با اقدامات خود یکی از اهداف مهم سیاست های توسعه ی پایدار منابع طبیعی را تحقق دهند.

با توجه به اینکه مشارکت روستاییان مستلزم دسترسی آنان به امکانات و حمایت هایی جهت مشارکت است، در نتیجه پیشنهاد می گردد که توانمندسازی روستاییان در خصوص اخذ حقوق مدنی و اجتماعی و افزایش قدرت چانه زنی آنان با سازمان ها و دستگاههای اجرایی ذی ربط صورت پذیرد. و با توجه به اینکه بیشتر بهره برداران را افراد بیسواد و یا دارای تحصیلات خواندن و نوشتن تشکیل می دهند پیشنهاد می گردد برای جلسات مشارکت مردمی از روش هایی مانند روشهای دیداری، و ارزیابی مشارکتی روستایی در کنار سخنرانی، بازدیدها و پنخش فیلم های ساده ترویجی استفاده گردد. به دلیل بهره مندی اکثر بهره برداران از رسانه های ارتباط جمعی به ویژه رادیو، تلویزیون و موبایل و از سوی دیگر سطح تحصیلات پایین آن ها پیشنهاد می گردد آموزش ها و راه کارهایی در جهت حفظ منافع مردم و منابع طبیعی از طریق این رسانه ها و با توجه به شرایط بهره برداران تهیه گردد. و همچنین پیشنهاد می گردد به منظور برنامه ریزی برای طرح ها مشارکت روستاییان از مرحله نیازسنجی شروع گردد تا اهداف طرح بیشتر با نیازهای روستاییان همسو باشد که این امر در عمل باعث احساس تعهد بیشتر روستاییان نسبت به طرح ها و اجرای برنامه ها می گردد و می تواند تاثیر بسزایی در افزایش میزان مشارکت آنان و نیل به مشارکت خودجوش داشته باشد.

منابع

- ابراهیمی، مهدیه، خسروی، حمیده، ریگی، مسعود. (۱۳۹۴). تاثیر قرق بر احیاء خاک، غنا و تنوع گیاهی مراتع تفتان. مجله تحقیقات منابع طبیعی تجدید شونده. ۶(۴): ۴۹-۶۴.
- جوادی، سیداکبر، اسدپور، علی و ارزانی، حسین. (۱۳۸۹). طبقه بندی شایستگی مرتع برای چرای بز با استفاده از GIS. فصلنامه علمی تحقیقات منابع طبیعی تجدید شونده. ۱(۱): ۱۳-۲۹.
- حمیدیان، محمود و طهماسبیان، سعید. (۱۳۹۳). ارزیابی بازدهی اقتصادی طرح های مرتعداری (مطالعه موردی: طرح مرتعداری کره پو شهرستان ایلام). مجله تحقیقات منابع طبیعی تجدید شونده. ۵(۲): ۳۷-۴۳.
- خورشیدی، محمد و انصاری، ناصری. (۱۳۸۲). شناخت آگاهی عشایر و روستاییان نسبت به تخریب منابع طبیعی و عوامل آن در دهستان بازفت استان چهار محال و بختیاری، فصلنامه پژوهشی تحقیقات طبیعی، علوم آب و خاک ۱۱(۴۱): ۴۵۳-۴۶۴.
- دولتشاهی، آوازه، قربانی، مهدی و حمیدیان، علی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه انسان و طبیعت با رویکرد انسان شناسی فرهنگی (مطالعه موردی: روستای لزور- استان تهران)، مجله تحقیقات منابع طبیعی تجدید شونده، ۳(۲): ۴۱-۵۰.
- طهماسبیان، س. مومنی، م. نجفی، ف. (۱۳۹۱). بررسی علل و عوامل تخریب مراتع و راهکارهای جلوگیری از تخریب مراتع استان ایلام (مطالعه موردی شهرستان شیروانچرداول)، مجموعه مقالات نخستین همایش منطقه ای توسعه پایدار منابع طبیعی غرب کشور: چالشها و راهکار، ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱، الشتر، دانشگاه پیام نور استان لرستان.
- قربانی، مهدی، آذرنیوند، حسین، مهرابی، علی اکبر، باستانی، سوسن، جعفری، محمد و نایی، هوشنگ، تحلیل شبکه اجتماعی: رویکردی نوین در سیاست گذاری و برنامه ریزی مدیریت مشارکتی منابع طبیعی. نشریه مرتع و ابنخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، ۶۵(۴): ۵۵۳-۵۶۸.
- کریمی، کبری. (۱۳۹۲). اثرات طرح های مرتعداری بر ظرفیت سازی انسانی و اجتماعی معیشت خانوارهای روستایی در شهرستان ماهنشان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان.
- کریمی، کبری و کرمی دهکردی، اسماعیل. (۱۳۹۴). بهره برداری از مراتع و لزوم متنوع سازی معیشت خانوارهای روستایی مطالعه موردی: شهرستان ماهنشان. پژوهش های روستایی. ۶(۲): ۳۴۳-۳۶۸.

کریمی، کبری و کرمی دهکردی، اسماعیل. (۱۳۹۵). دیدگاه بهره برداران در مورد تاثیر طرح های مرتعداری بر متنوع سازی راهبردهای معیشت خانوارهای روستایی در شهرستان ماهشان، پژوهش های روستایی، ۶(۴): ۸۰۳-۸۲۴.

کریمی، کبری و کرمی دهکردی، اسماعیل. (۱۳۹۶). چالش های منابع طبیعی و رویکردهای مدیریت آنها با تاکید بر راهبری منابع طبیعی. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت منابع طبیعی در کشورهای در حال توسعه. ۷-۶ اسفندماه.

کریمی، کبری و کرمی دهکردی، اسماعیل. (۱۳۹۵). مشارکت بهره برداران روستایی در طرح های مرتعداری و عوامل موثر بر آن در شهرستان ماهشان. جغرافیا و توسعه. ۱۴(۴۵): ۱۸۱-۱۹۶.

مافی غلامی، رویا و مجدم، عماد. (۱۳۹۰). ارزیابی دلایل و عوامل تخریب منابع جنگلی استان خوزستان. همایش ملی بوم های بیابانی، گردشگری و هنرهای محلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، ۲۴-۲۳ آذرماه ۱۳۹۰.

مراغ ایران. (۱۳۹۵). سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری
<http://www.frw.org.ir/CimayeManabeTabeeKeshvar/MarateIran/pageid/46/language/fa-IR/Default.aspx>

میردامادی، سید مهدی،. عزیزاده فرد، مونا و علیمرادیان، پرناز. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین مشارکت مردم و پیامدهای اجتماعی- اقتصادی، در حبله رود (مطالعه موردی استان تهران)، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۱(۴): ۵۵۷-۵۶۴.

نوری پور، مهدی و نوری، مرتضی. (۱۳۹۱). تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت آب بران شبکه آبیاری و زه کشی: مورد دشت لیستر، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۸(۱): ۳۹۱، ۵۳-۷۰.

نوری، سید هدایت الله،. هاشمی، صدیقه، محمودی، سمیرا و طباطبایی، حجت اله. (۱۳۹۵). اثرات سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای دهستان آباده طشک. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. دوره پنجم، شماره سوم، ۱۳۹۵، ۳۷-۵۵.

ولایتی، سعداله و کدیور، علی اکبر. (۱۳۸۵). چالش های زیست محیطی جنگلها و مراتع ایران و پیامدهای آن. جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۴(۷): ۵۳-۷۲.

Al-Busaidi, Mohammed. (2012). The struggle between nature and development: Linking local knowledge with sustainable natural resources management in Al-Jabal Al-Akhdar Region , Oman. (PHD), GLASGOW, Scotland.

Alejandro Camacho "Beyond Conjecture: Learning About Ecosystem Management From The Glen Canyon Dam Experiment" (2008) 8 Nev L J 942 at 961; Karkkainen, above n 10, at 212, 228-229; Julia Wondollock and Steven Yaffee Making Collaboration Work: Lessons From Innovation in Natural Resource Management (Island Press, Washington, 2000) at 23- 41.

Anja Bauer , Judith Feichtinger & Reinhard Steurer. (2012) The Governance of Climate Change Adaptation in 10 OECD Countries: Challenges and Approaches, Journal of Environmental Policy & Planning, 14:3, 279-304.

Beer, Andrew, AM, Paul Bell, Bellamy, Jennifer, Berwick, Mike, Brown, A. J., Gleeson, Brendan, . . . AO, Kenneth Wiltshire. (2006). Adaptive Governance: The Challenge for Regional Natural Resource Management Federalism and Regionalism in Australia New Approaches, New Institutions? Griffith: Griffith University.

Blaikie, P., 2006. Is small really beautiful? Community-based natural resource management in Malawi and Botswana. World Dev. 34, 1942e1957. Borgerhoff Mulder, M., 2011. Fred Nelson (ed): community rights, conservation & contested land: the politics of natural resource governance in Africa. Hum. Ecol. 39, 391-394.

Borrini-Feyerabend Grazia, Pimbert Michel, Farvar M.Taghi, Kothari Ashish, Renard Yves et al, *Sharing Power-Learning by Doing in Comanagement of Natural Resources throughout the World*, IIED, IUCN, CMWG, CEESP, 2004.

Dougill, A.J., Stringer, L.C., Leventon, J., Riddell, M., Rueff, H., Spracklen, D.V., Butt, E., 2012. Lessons from community-based payment for ecosystem service schemes: from forests to rangelands. Philos. Trans. R. Soc. Lond. B Biol. Sci. 367, 3178e3190.

FAO. (2013). What are grasslands and rangelands? , 2013, from www.fao.org/docrep/008/y8344e/y8344e05.htm

- FAOSTST. (2013). food and agriculture organization of the united nations for a world without hunger. Retrieved 2013.04.05, 2013, from <http://faostat.fao.org/site/377/DesktopDefault.aspx?PageID=377#ancor>
- Goss, S., 2001. Making Local Governance Work: Networks, Relationships and the Management of Change. Palgrave, Hampshire, New York.
- Haji Mirrahimi, S.D., & Nabaei, S.M. (2007). a survey on challenges and problems of natural resources development methods in the central province. new findings in agriculture, 1(2), 161-176.
- Hill, John, & Mustafa, Saleem. (2011). Natural Resources Management and Food Security in the Context of Sustainable Development. Sains Malaysiana, 40(12), 1331-1340.
- Holley Cameron, Gunningham Neil. (2011). Natural Resources, New Governance and Legal Regulation: When Does Collaboration Work?, New Zealand Universities Law Review, Vol. 24, pp. 309-327, 2011.
- J. Dyer, L.C. Stringer, A.J. Dougill, J. Leventon, M. Nshimbi, F. Chama, A. Kafwifwi, J.I. Muledi, J.-M.K. Kaumbu, M. Falcao, S. Muhorro, F. Munyemba, G.M. Kalaba, S. Syampungani (2014). Assessing participatory practices in community-based natural resource management: Experiences in community engagement from southern Africa. Journal of Environmental Management. 137 (2014): 137-145.
- Karamidehkordi, Esmaeel. (2010). A Country Report: Challenges Facing Iranian Agriculture and Natural Resource Management in the Twenty-First Century. Human Ecology, 38, 295-303.
- Karamidehkordi, Esmaeel. (2012). Sustainable Natural Resource Management, a Global Challenge of This Century. 105- 114 .
- Kumasi, T.C., Obiri-Danso, K., Ephraim, J.H., 2010. Community engagement in the sustainable management of rivers: Barekese catchment, Kumasi, Ghana. Environ. Dev. Sustain. 12, 927-943.
- Lackey, R. (1998). Seven Pillars of Ecosystem Management. Landscape and Urban Planning, 40(1-3), 21-30.
- Measham, T.G., Lumbasi, J., 2013. Success factors for community based natural resource management (CBNRM): lessons from Kenya and Australia. Environ. Manag. 52, 649e659. Available online at: <http://dx.doi.org/10.1007/s00267-013-0114-9>.
- Olsson, P., Folke, C., Galaz, V., Hahn, T. and Schultz, L. 2007. Enhancing the Fit through Adaptive Comanagement: Creating and Maintaining Bridging Functions for Matching Scales in the Kristianstads Vattenrike Biosphere Reserve, Sweden. Ecology and Society 12(1), 28.
- Orly Lobel "The Renew Deal: The Fall of Regulation and the Rise of Governance in Contemporary Legal Thought" (2004) 89 Minn L Rev 342 at 343; Graine De Búrca, "New Governance and Experimentalism: An Introduction" (2010) Wis L Rev 227. Fred Robinson & Keith Shaw (2001) Governing a Region: Structures and Processes of Governance in North East England, Regional Studies, 35:5, 473-478
- Panunzi, Eleonora. (2008). Are grasslands under threat? , from http://www.fao.org/ag/agp/agpc/doc/grass_stats/grass-stats.htm
- Patti Moore, Xuemei Zhang, and Ronnakorn Triraganon (2011). Natural Resource Governance Trainers' Manual. IUCN, RECOFTC, SNV, Bangkok, Thailand. xii + 278 pages.
- Phiri, M., Chirwa, P.W., Watt, S., Syampungani, S., 2012. Local community perception of joint forest management and its implications for forest condition: the case of Dambwa Forest Reserve in southern Zambia. South. For. 74, 52-59.
- Rodney Abson (2015) Governance of natural resources: uncovering the social purpose of materials in nature, Canadian Water Resources Journal / Revue canadienne des ressources hydriques, Vol. 40, No. 2, PP. 230-231
- Ruth Potts, Karen Vella, Allan Dale & Neil Sipe (2016): Evaluating Governance Arrangements and Decision Making for Natural Resource Management Planning: An Empirical Application of the Governance Systems Analysis Framework, Society & Natural Resources
- Sterner, Thomas. (2003). Policy Instruments for Environmental and Natural Resource Management. Forest Economics, 9(1), 65-66.
- Strigl, A., 2003. Science, research, knowledge and capacity building. Environ. Dev. Sustainability, Vol. 5, PP. 255-273.
- WorldBank. (2006). Sustainable Land Management: Challenges, Opportunities, and Trade-offs. Washington, DC.